



نشست‌ها و حاشیه‌ها

خاطرات خانوادگی

نشست فیلم سینمایی «زالاوا» چهارشنبه در برج میلاد برگزار شد. زالاوا فیلمی کم‌دی است که داستان آن در دهه ۵۰ شمسی می‌گذرد. این فیلم راوی اتفاقی است که باعث ترس مردم شده و رئیس پاسگاه تلاش می‌کند امنیت را به‌روستا بازگرداند.

ارسلان امیری، کارگردان فیلم سینمایی زالاو در این نشست در پاسخ به سؤالی درباره تأثیر حضور همسرش در شورای فیلمنامه فارابی برحمایت بنیاد از این فیلم تأکید کرد: «همسرم آیدا پناهنده دو ماه به اشتباه در بنیاد سینمایی فارابی بود که حمله‌هایی مواجه شد. آن زمانی که همسرم در آنجا بود، اصلا ماجرای ساخت فیلم مطرح نبود. ضمن این‌که همسرم منتقد و رقیب جدی و حتی دشمن این فیلم است.»



وی درباره ایده ساخت فیلم گفت: «روزی که پدرم داشت خاطراتش را تعریف می‌کرد، جزو اولین خاطراتش تسخیر و استخدام یک جن در خانواده پدری‌اش بود. این برای من جذاب بود، نه خود داستان بلکه شیوه‌ای که پدرم آن را تعریف می‌کرد و به گونه‌ای باورپذیر بود، همه از این داستان‌ها دارند. من آن شیوه‌ای را که منجر به باورپذیری شود، دوست داشتم و تصمیم گرفتم این قصه را بنویسم.»

امیری درباره این سؤال که آیا طبق تصویر ارائه‌شده در فیلم کردها خرافه‌پرست‌اند، گفت: «لطفاً فتنه درست نکنید، این فیلم نمادین است و می‌تواند در همه جای جهان رخ دهد. این آیتکت زدن‌ها یک بیماری کثیف برای به جان هم انداختن اقوام است.»

نوید پورفرج، بازیگر این فیلم که مورد تشویق خبرنگاران قرار گرفت، گفت: «به نظم سکانسی که عاشقانه شروع می‌شدو تا پایان فیلم ادامه داشت، سکانس سختی بود، ۴۰ تا ۲۵ روز همان سکانس پایانی طول کشید، حفظ را کورد خیلی سخت بود. تیمی که کار می‌کردیم درجه یک بود و همکاری با آنها باعث افتخار بود. فیلمنامه بسیار خوب بود، در صفحه دوم به این نتیجه رسیدیم که باید در آن حضور داشته باشیم.»

پوریا رحیمی‌سام، دیگر بازیگر این فیلم، خاطرنشان کرد: «از چهار پنج سال پیش در جریان تولید این فیلم بودم، حتی قرار بود نقش دیگری بازی کنم. معتقدم بازی در این نقش برای من شانس بود، چالش زبان، ترس بزرگی بود. پیدا کردن کوک اصلی بازی‌ها، چالش زیادی برای مان داشت و بسیار مرون بازیگران خوب کنارمان هستیم.»

روزی روزگاری آبادان

نشست خبری بدون حضور محسن تنابنده برگزار شد. بازیگری که در کنار معتمدآریا نقش اصلی داستان را پیش می‌برد، علی اوجی، تهیه‌کننده درباره عدم حضور این بازیگر در نشست گفت: «مسافرت رفته اما به همه تلاشگران رسانه سلام رسانده و امیدوار است روزی روزگاری آبادان خوب دیده شود.»

اوجی به قهر با حمیدرضا آذرنگ اشاره کرد و افزود: «این فیلم‌نوشت، سال پیش به من پیشنهاد شد، اختلافی بین من و حمیدرضا آذرنگ پیش آمد، چون بازیگری پیش نیامد و او خواست خودش در فیلم بازی کند. من مخالفت کردم و با هم قهر کردیم و همکاری ما هم منتهی شد. گفتم راضی نیستم اولین کارت را خودت بازی کنی. حمیدقهر کردو ماجرا به سمت دیگری رفت تا این‌که دوباره از سمت عبدا... اسکندری و حمید به پروژه دعوت شدم. البته محسن تنابنده هم از فیلم‌نوشت خوشش آمده بود و تصمیم گرفتیم فیلم رایسازیم.»

فاطمه معتمدآریا هم در ادامه با اشاره به سابقه کاری‌اش در تئاتر با آذرنگ، بیان کرد: «دو الگوی زندگی و پهلوانی را از دست دادیم. امروز فکر می‌کردم اگر من نبودم، شاید مردم درد کمتری می‌کشیدند تا این‌که علی انصاریان رفت. سابقه تئاتری من و آذرنگ باعث شد این فیلم مهم‌تر و جذاب‌تر باشد. در طول یک سال و نیم که منتظر این کار بودم، فراز و نشیب‌های زیادی دیدم که باعث می‌شد کار به عقب بیفتد. روزاول به او گفتم خوشحال می‌شوم در این اثر با هم همکاری کنیم و هنوز همان حس را دارم. نگاه این فیلم خانوادگی و کلی است و صحبت از جایزه شوخی است و نگاهی به‌آن ندارم.»



جمعه ۱۰بهمن به کار خود پایان داد. این شیوه از برگزاری نمایشگاه گرچه باعث برخی انتقادات شد اما از سوی دیگر براساس اعلام مسوولان وزارت ارشاد اصلا جایگزین نمایشگاه کتاب نبوده و نخواهد بود و صرفا راهی است که سال‌های آینده به برگزاری بهتر نمایشگاه کمک خواهد کرد.

دیدن فیلم‌های خوب جرم است؟

درباره فیلم‌های «زالاوا» به کارگردانی حسین دارابی که تا حدودی ایده و روایت جذابی دارند

چهارم و پنجم سینمای رسانه، فیلم‌هایی به نمایش درآمدند که با وجود برخی امیدواری‌ها و امتیازات، در کلیت نتوانستند درخشان عمل کنند و از آن فیلم‌هایی نبودند که برق و روشنایی‌شان به کار نجات سینما بیاید و بتوان به عنوان آثاری ماندگار از آنها نام برد. در این میان تا حدودی «زالاوا» و بیشتتر «مصلحت»، چشمه‌هایی از امید و استعداد نشان دادند و به طور نسبی نظر مثبت برخی مخاطبان و منتقدان را به دست آوردند. به قدری مجموع فیلم‌های این دوره جشنواره تا اینجا چیز ویژه‌ای نداشتند که مخاطب از دیدن فیلم‌های کمی خوب، مثل همین زالاوا و کمی بهتر مثل همین مصلحت، ذوق می‌کند و ممکن است با خود بگوید روال و طبیعت جشنواره فیلم فجر کدام است؟ نمایش و رقابت فیلم‌های عمدتاً بد و حضور دوسه تا فیلم نسبتاً خوب؟ واقعا جشنواره، جشنواره که می‌گفتند این بود؟!

مصلحت؛ تقریبا بدون خط قرمز



در بخش‌های دیگر، نظر مثبت تماشاگران و برخی منتقدان را به دست می‌آورد. فیلم مصلحت به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه (تهیه‌کننده فیلم دین این فیلم جرم است!) جسورانه ملاحظات را کنار می‌زند و با برجسب زدن به شخصیت‌هایی که از پایه‌های نظام و انقلاب در دهه ۶۰ هستند، در حکم یک سوزن سوزناک و تلنگر محکم عمل می‌کند؛ این‌که طبق گفته شخصیت ذی‌نفوذ فیلم، آیت‌الله مشکاتیان (فرهاد قائمیان) در فیلم: « عذالت خط قرمز ندارد» حتی اگر پای قدرتمندترین افراد نظام در میان باشد. منتهی روایت فیلم به گونه‌ای پیش می‌رود که ظن تماشاگر را برمی‌انگیزد و واقعا فکر می‌کند که ممکن است گاهی مصلحت این باشد که عدالت هم آغشته به خط قرمز شود.» شخصیت حسین جلالی با بازی وحید رهبانی که از قضا در فیلم شیشلیک، آن روی چنین جایگاهی را بازی کرد، به شیوه سرپیکو و در یک حقیقت‌طلبی و افشاگری جذاب هالیوودطور، مواز ماست عدالت می‌کشد و تا پای جان، خطر می‌کند.

نکته مهم دیگر این‌که با وجود روایت داستان در دهه ۶۰، مصلحت اتفاقا فیلم زمانه ما است و نیش و کنایه‌هایش به‌وضوح به آقا زادگی امروز و سوءاستفاده از قدرت اصابت می‌کند. مصلحت به قدر کفایت در روایت خوب و پر قدرت عمل می‌کند که می‌تواند نگاه مخالفان ایدئولوژیک را هم برگرداند یا دست‌کم آنها را دچار تردید کند و این دقیقا مؤید قدرت سینماست.

اما ایراد فیلم این است که آنجایی که باید به پایان نمی‌رسد، یعنی بهترین پایان‌بندی برای فیلم همان دستگیری و مجازات افراد متصل و خاطی پرونده است. اما از آن‌سوی، نگاه سازمانی و ارگانی خودش را در پایان فیلم تحمیل می‌کند که سختی تا آن شروع و میانه خوب فیلم ندارد و برای تفهیم چهره مثبت فرد ذی‌نفوذ قصه و عدالت‌طلبی او، سکانس‌هایی پرسوز و گداز و احساسی تدارک می‌بیند. در حالی که واقعا نیاز به این تأکید کل درشت نبود، روند قصه و قهرمان‌بازی‌های جلالی و باری به‌هنگام مرد قدرتمند و صاحب‌منصب، پیام و مفهوم موردنظر را به مخاطب منتقل کرده است.

خود ناشر ارسال شده است.
به این ترتیب این نمایشگاه با فروش حدود یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار جلد کتاب به قیمت حدود ۶۴میلیارد تومان به پایان رسید. نمایشگاه کتاب تهران امسال در رویکردی متفاوت به‌صورت مجازی برگزار شد و در نهایت پس از دو بار تمدید

اعلام آمار نهایی فروش نمایشگاه مجازی کتاب

با پایان نخستین نمایشگاه مجازی کتاب تهران اعلام شد در این نمایشگاه ۲۳۳ هزار و ۸۶۷ سفارش ثبت شده که از این تعداد ۱۲۲ هزار و ۴۵۸ سفارش ارسال و ۱۰۱ هزار و ۴۰۹ سفارش در انتظار ارسال هستند. همچنین در مدت زمان برگزاری این نمایشگاه، ۵۷۰ هزار و ۸۲۹ بسته از طریق پست و ۲۷ هزار و ۸۰۵ بسته از طریق



علی‌رستگار

سینما

زالاوا؛ یک ترس جذاب

به‌یاد ندارم که پیش از این در جشنواره فیلم فجر، یک زوج کارگردان برای دریافت سیمرغ بلورین رقیب یکدیگر باشند. این موضوع حتی در دیگر جشنواره‌های جهانی هم می‌تواند جالب و کم‌سابقه باشد. اما در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر این اتفاق رخ داده و ارسلان امیری و آیدا پناهنده با دو فیلم زالاوا و تی‌تی، رقیب یکدیگر هستند. امیری پیشتر به عنوان نویسنده با همسرش همکاری کرد و فیلمنامه فیلم‌هایی چون ناهید و اسرافیل را به‌طور مشترک با هم نوشتند.

جالب این‌که امسال هم با وجود رقابتی که به عنوان کارگردان در بخش سودای سیمرغ دارند، در تهیه و تولید هر دو فیلم باز هم با یکدیگر مشارکت دارند، امیری در نوشتن فیلمنامه تی‌تی مشارکت داشته و پناهنده هم به عنوان یکی از فیلمنامه‌نویسان و همچنین مشاور کارگردان در زالاوا کنار امیری بوده است.

زالاوا به عنوان اولین ساخته سینمایی ارسلان امیری، فضا سازی خوبی دارد و سرآغ روایتی درباره قصه‌ای با موضوع جن و در فضایی ترسناک می‌رود. سوژه و فضایی که دستمایه آثاری در تاریخ سینما قرار گرفته و ظرفیت خوبی برای قصه‌گویی و جذب مخاطب دارد. زالوا شروع خوبی دارد و سوژه را با خرافه‌پرستی و اعتقادات مردم منطقه فیلم، تقویت می‌کند و به‌ویژه با سکانس جن‌گیری، تعلیق، جذابیت و هیجان را به اوج می‌رساند. حتی به‌طرز جالبی در چنین سکانس نفسگیری، ناگهان برق سالن سینمای پردیس ملت (سینمای رسانه) هم برای دقایقی رفت تا به‌طور کامل ما هم در دل موقعیت ترسان و لرزان فیلم قرار بگیریم!

با این حال فیلم بهره کاملی از این موقعیت درخشان و سوژه خود نمی‌برد و جمع‌بندی‌اش، آن‌طور که باید هم‌شان شروع و میانه‌اش نیست، هرچند آن عدم وصال دل‌داده‌های جوان فیلم (رئیس پاسگاه و خانم دکتر)، به شکل درستی قابل انتظار بود و در آن روستای جن‌زده، تسخیرشده و خرافه‌پرست؛ جز این نمی‌شد سرنوشتی برای‌شان متصور شد، اما فیلم در جمع و جور کردن و سرانجام قصه جنی، مبهم عمل می‌کند. در حالی که می‌شد پایان‌های خیلی بهتر و ماندگارتری برای فیلم متصور بود.

با وجود پایدی لغزنده، زالوا فیلم قصه‌گوی جذابی است و با فضا سازی مناسب، مخاطب را با خود همراه می‌کند. شخصیت‌پردازی و بازی نوید پورفرج، پوریا رحیمی سام و هدی زین‌العابدین و آن بازیگر نقش سرباز هم از امتیازات فیلم است.

